

فاطمه معصومه، شفیعه اهل بیت

محمد عابدی میانجی

فهرست:

زندگینامه

شفاعت پرتوی از رحمت الهی

شفاعت حضرت معصومه (س)

نقل یک حکایت

منابع

فاطمه معصومه(س)، در اوّلین روز ذیقعدہ سال ۱۷۳ (هـ.ق) به فاصله ۲۵ سال از تولد برادرش امام (رضاع) در شهر مدینه چشم به جهان گشود. ۱

مادرش نجمه، چنان شخصیت کمال یافته‌ای داشت که حمیده خاتون (مادر امام کاظم«ع») درباره‌اش می‌فرمود: «هرگز بهتر از او ندیده‌ام.» ۲

این مولود پاک در دهمین بهار از عمر خود با شهادت پدر بزرگوارش حضرت امام کاظم(ع) در زندان هارون رو به رو شد و از آن پس مانند دیگر اعضای خاندان موسوی تحت هدایت و سرپرستی امام (رضاع) قرار گرفت، تا آنکه این امام بزرگوار در پی توطئه مأمون ناچار شد راهی خراسان شود و در روز پنجم یا ششم رمضان ۲۰۰ (هـ.ق) عنوان ولایتعهدی تحمیلی را بپذیرد.

یک سال بعد از این رویداد بود که فاطمه معصومه(س) به قصد دیدار برادر راهی خراسان شد. ۳ البته تعدادی از برادران حضرت معصومه(س) (فضل، جعفر، هادی، قاسم، زید) و تعدادی از برادرزاده‌ها و... نیز با وی همسفر شدند. این بانوی گرانقدر در ساوه مریض یا مسموم ۴ شد و به توصیه خود، در ۲۳ ربیع الاول سال ۲۰۱ (هـ.ق) به شهر قم منتقل گردید. ۵ فاطمه معصومه(س) مدت ۱۷ روز در خانه «موسی بن خزرج» ماند و تمام این مدت را به عبادت گذراند و سرانجام در دهم ربیع الثانی ۲۰۱ (هـ.ق) از این سرای فانی به خانه باقی رحلت کرد. ۶ پیکر مطهر حضرت معصومه(س) توسط امام هشتم و نهم در قم به خاک سپرده شد. ۷

فاطمه معصومه(س) هر چند عمری کوتاه داشت، اما در همین دوره مختصر توانست به مقامات عالی در علم و معنویت دست یابد، چنان که با عناوینی چون معصومه، ۸ کریمه، ۹ عالمه، ۱۰ محدّثه، طاهره، برّه، تقیه، عابده، مقدمه (پیشگام)، رضیه، سیده، حمیده، رشیده، نقیه، مرضیه، صدیقه و... ۱۱ شناخته می‌شود.

اما یکی دیگر از این مراتب کمال که حضرت بدان دست یافت و موضوع این مقاله است، مقام و مرتبه «شفاعت» ۱۲ است که آن بانوی گرانقدر خاندان موسوی، بر اثر عبادات و تهذیب نفس به آن دست یافت.

حجم زیادی از روایات پیرامون شخصیت حضرت فاطمه معصومه(س) به موضوع «شفیعه» بودن حضرت مربوط می‌شود. لذا شایسته است قبل از بیان این روایات، به موضوع شفاعت و مبانی (عقلی، قرآنی، روایی) آن اشاره شود.

شفاعت چیست؟

«راغب اصفهانی» در معنای لغوی آن می‌نویسد: «شفیع ضمیمه شدن چیزی به مانند خود است» ۱۳ در اصطلاح و عرف نیز به معنای واسطه شدن افرادی است که نزد خداوند موقعیت خاصی دارند و خداوند به خاطر این موقعیت تقاضای آنان را می‌پذیرد. بنابراین، حقیقت شفاعت این است که استعداد ناقص و ناتوانی شخص، با قدرت و توان شفیع ضمیمه می‌شود و شخص را به مقامی می‌رساند و یا از ناراحتی و مشکلی می‌رهاند. پس در شفاعت سه عنصر اصلی «تقاضاکننده»، «واسطه»، «برآورنده نیاز» وجود دارد.

شفاعت چنان اعتباری دارد که بعضی روایات، منکر آن را از محدوده شیعیان خارج دانسته‌اند. امام صادق(ع) می‌فرمود: «من انکر ثلاثة اشياء فلیس من شیعتنا؛ المعراج والمُسائلَةُ فی القبر والشفاعة.» ۱۴ کسی که سه چیز را انکار کند، از شیعیان ما نیست؛ معراج و سؤال در قبر و شفاعت.

مبانی قرآنی و روایی شفاعت

۱- قرآن کریم:

در حدود سی آیه در قرآن وارد شده است که نتیجه آن‌ها وجود شفاعت، به اجازه و اذن

خداوند است. مانند: «یومئذ لا ینفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن» ۱۵ در آن روز شفاعت کسی سود نمی‌رساند مگر آن که خدا به او اذن داده باشد.

«ما من شفیع الا من بعد اذنه» ۱۶ شفیع نیست مگر بعد از اذن خدا.

البته تمام آیات، مربوط به شفاعت در قیامت می‌باشند که با توجه به آیات و روایات دیگر قابل تعمیم به دنیا و برزخ نیز می‌باشد. ۱۷

۲- روایات

روایات فراوانی در این باره وارد شده است که نمونه‌ای از آن به نقل از امام صادق (ع) ذکر شد.

شفاعت پرتوی از رحمت الهی

۱- دلایل و قراین متقن، دلالت بر اصالت رحمت الهی در مقابل غضب او دارد. «یا من سبقت رحمته غضبه».

آری اصل، سعادت انسان و پاکی و طهارت اوست و گناه و فساد و... عارضی‌اند و همیشه آنچه عارضی است، به وسیله «رحمت الهی» تا حد مقدور برطرف می‌شود. امدادهای غیبی، تأییدات رحمانی و... از شواهد این غلبه هستند.

۲- یکی از شواهد این رحمت، موضوع «مغفرت» است که براساس آن دل‌ها و روان‌ها طاهر و از گناه عاری می‌شود. البته جایی که دل به دلیل گناهی، چون عین نجس شود (مثل شرک) دیگر طهارت برای آن معنا نخواهد داشت. لذا در فرهنگ قرآن با عبارات: «ختم الله علی قلوبهم» مهر الهی بر دل‌هایشان زده شده، از آنان نام برده شده است.

۳- مغفرت خداوند مانند هر فعل دیگر قانون‌مند است. این رحمت از طریق مجاری معین شده است مثل نفوس کامله، ارواح پیامبران و اولیا به مردم می‌رسد.

۴- این مجاری طاهره، همان «شفیع»ها هستند که با واسطه شدن بین اشخاص و خداوند از وی می‌خواهند آثار گناهان را محو سازد و یا به آنان مقاماتی عطا کند. ۱۸

شفاعت کنندگان

همان گونه که گفتیم واسطه و مجرای فیض شدن، قابلیت‌هایی را می‌طلبید که در برخی افراد وجود دارد. قرآن و روایات، برخی از این افراد را معرفی می‌کنند:

۱- پیامبر اکرم: «و من اللیل فتهجد به نافله لک عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا» ۱۹ که به اتفاق مفسران منظور از مقام محمود همان شفاعت است. ۲۰

۲- امامان: قال الصادق(ع): «اذا کان یوم القیامه نشفع من المذنب من شیعتنا فاما المحسنون فقد نجاهم الله» ۲۱ وقتی روز قیامت شد، از گناهکاران شیعیان مان شفاعت خواهیم کرد، اما نیکوکاران را خدا نجات می‌دهد.

۳- اهل بیت (ع): قال رسول الله(ص): «... یشفع اهل بیتی فیشفعون...» ۲۲

۴- پیامبران: «قال اراغب انت عن آلهتی یا ابراهیم لئن لم تنته لارجمک واهجرنی ملیا قال سلام علیک ساستغفر لک ربی انه کان بی حقیبا» ۲۳

گفت: ای ابراهیم آیا از خدایانم روی می‌گردانی؟ اگر از رفتار خود دست برداری، سنگسارت خواهم کرد، و از من برای روزگار درازی دور شو. ابراهیم گفت: سلام بر تو زود است که برایت از پروردگام آمرزش بخواهم، او نسبت به من مهربان است.

۵- قرآن کریم: علی(ع): «اعلموا انه (قرآن) شافع مشفع و قائل مصدق و انه من شفیع له القرآن یوم القیمة شفیع فیه» ۲۴ بدانید قرآن شفاعت کننده است و شفاعت او پذیرفته می‌شود و گوینده است و گفتارش تصدیق می‌شود و هر کسی قرآن برای وی، روز قیامت شفاعت کند، شفاعت قرآن درباره‌اش پذیرفته خواهد شد.

۶- اعمال: پیرامون شفاعت اعمال سه دیدگاه وجود دارد؛ اعمال صالح به مقتضای اصل انعکاس اعمال در روحيات انسان، یک زمینه روحی برای نزول رحمت خداوند، پدید می‌آورند و مغفرت خداوند که یک بخش از رحمت اوست، شامل شخص می‌شود.

: اطاعت انسان واسطه‌ای می‌شود تا خداوند او را به مقامات والا برساند.

: اعمال صالح برای خود حقیقتی خاص دارند و تجسم پیدا می‌کنند و حیات و شعور مخصوص به خود دارند از جمله آن‌ها این است که برای صاحب خود از خدا طلب بخشش و از بین بردن آثار گناهان را

می‌کنند. بر این اساس امام علی(ع) می‌فرماید: «فاجعلوا طاعة الله... شفیعا لدرک طلبکم.» ۲۵ اطاعت خدا را برای رسیدن به خواسته‌های خود شفیع قرار دهید.

«الصيام والقرآن، يشفعان العبد يوم القيامة يقول الصيام ای رب منعتہ الطعام والشهوات للعبد بالنهار فشفعن فيه و يقول القرآن منعتہ النوم باللیل فشفعنی فيه...» ۲۶

روزه و قرآن برای کسی که روزه گرفته و شب‌ها قرآن تلاوت کرده‌اند، شفاعت می‌کند. روزه می‌گوید: پروردگارا! من این شخص را از خوردن غذا و انجام شهوات در روز منع کردم، پس شفاعت مرا درباره‌اش بپذیر.

قرآن می‌گوید: من این شخص را از خواب شب باز داشتم، پس شفاعت مرا درباره‌اش بپذیر. پس شفاعت هر دو درباره صاحبانش پذیرفته می‌شود.

۷ - فرشتگان. ۲۷

۸ - دوستان اهل بیت: علی(ع): «لنا شفاعة و لاهل مودتنا شفاعة» ۲۸ برای ما شفاعتی است و برای اهل مودت و دوستی ما هم شفاعتی است.

۹- مؤمنان: «شيعتنا الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و يحجون البيت الحرام و يصومون شهر رمضان و يوالون اهل البيت و يتبرون عن اعدائهم... و ان أحدهم ليشفع في مثل ربيعة و مضر فيشفعهم الله فيهم لكرامة على الله عزوجل» ۲۹ شیعیان ما آنها هستند که نماز می‌خوانند، زکات می‌دهند و حج خانه خدا را به جا می‌آورند و ماه رمضان روزه می‌گیرند و با اهل بیت رسالت دوستی کرده و از دشمنانشان بیزار می‌جویند یکی از آنان برای جمعیتی به عدد جمعیت دو قبیله ربيعة و مضر (بزرگ‌ترین قبیله‌ها) شفاعت می‌کند و خداوند شفاعت او را می‌پذیرد، چون نزد خدا گرامی است.

شرایط شفاعت شوندگان

گفتیم در شفاعت، شخص تقاضا کننده، شخص دیگر را واسطه قرار می‌دهد تا از خداوند نیاز وی را بخواهد.

بنابراین، اولین شرط، همان اعتقاد به شفاعت خواهد بود، لذا پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من لم يؤمن بشفاعتی فلا آنا له شفاعتی» ۳۰ آن که به شفاعت من ایمان نداشته باشد، شفاعت من به او نمی‌رسد.

بعد از این اصل کلی، در روایات به صورت موردی اشخاصی از شفاعت محروم شده‌اند مانند: کافر؛ ۳۱؛ مشرک؛ ۳۲؛ ستمگر؛ ۳۳؛ دشمن اهل بیت؛ ۳۴؛ آزار رسان به ذریه رسول خدا؛ ۳۵؛ پرداخت نکردن مهر؛ ۳۶؛ فروشنده فرد آزاد؛ ۳۷؛ کسی که نماز را کوچک بشمارد؛ ۳۸؛ فریبکار و خیانت‌کار؛ ۳۹؛ زناکار؛ ۴۰...

در یک نگاه مجدد متوجه می‌شویم، در مورد حق الناس، شفاعت وجود ندارد. همین طور درباره گناهان اعتقادی مخصوص، مانند شرک؛ کفر و... در مورد حق الناس، اگر شخصی آن را بپردازد و تنها، گناه نافرمانی برگردنش بماند، باز استحقاق شفاعت را خواهد یافت. پس، این روایات، متجاوزان به حقوق مردم را از جهت «حق مردم» از دایره شفاعت، بیرون برده است. در مورد شرک و کفر نیز مسلم است که اصل اعتقاد به شفاعت جای تأمل دارد. البته برخی گناهان نیز از دایره شفاعت بیرون هستند که دلایل آن نامعلوم است و این دسته از روایات این خاصیت را دارند که درباره خارج بودن گناهان مورد اشاره، از دایره شفاعت، احتمالی ایجاد می‌کنند و در نتیجه حد و مرزهای شفاعت به صورت اثباتی و نفی از حالت قطعی بودن، بیرون می‌آید و مردم در حالتی بین خوف و رجا می‌مانند. ۴۱

شفاعت حضرت معصومه (س)

با توجه به مباحث گذشته و اثبات اصل شفاعت، توضیح مبانی و گستره شفاعت و... به نظر می‌رسد موضوع شفاعت حضرت فاطمه معصومه (س) از سه جنبه قابل طرح و اثبات باشد:

۱- در روایات به مقام شفاعت اهل بیت (ع) تأکید شده است و بدیهی است حضرت فاطمه معصومه (س) که خواهر امام رضا (ع) (از طرف پدر و مادر) می‌باشد، جزو این خاندان است پس مقام شفاعت وی قابل انکار یا تردید نخواهد بود.

۲- روایاتی پیرامون شفاعت مؤمنان نیز خواندیم و چه مصداقی برای مؤمن و مؤمنه می‌توان شاپسته‌تر از بانوان اهل بیت، مثل فاطمه معصومه (س) برشمرد.

«لا يزال المؤمن يشفع حتى يشفع في حيرانه و خلطائه و معارفه» ۴۲ مؤمن پیوسته شفاعت می‌کند، حتی درباره همسایگان و معاشران و آشنایانش.

۳- سومین جنبه، مربوط به روایاتی است که در خصوص حضرت فاطمه معصومه (س) از اهل بیت (ع) نقل شده است، و البته خود این روایات چند دسته‌اند:

الف : تصریح به مقام شفاعت:

در برخی از روایات وارده، به شفیع بودن آن حضرت، تصریح شده است، مانند روایات زیر:

امام رضا(ع) به «سعد اشعری» فرمود: ای سعد چون به نزد آن حضرت (قبر فاطمه معصومه «س» رفتی رو به قبله بایست؛ سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه سبحان الله، سی و سه مرتبه الحمد لله بگو، آن گاه بگو...»

«اتقرب الی الله بحبکم والبرائة من أعدائکم والتسلیم الی الله... یا فاطمة اشغعی لی فی الجنة فان لك عندالله شأننا من الشأن.» ۴۳

در این زیارت نامه که امام رضا(ع) به سعد توصیه می کند ابتدا با شفاعت خواستن عملی زائر رو به رو هستیم. زائر با استفاده از ابراز دوست داشتن اهل بیت و دشمنی با دشمنان آنها و تسلیم به خدا، خود را با آنان هم رنگ و همراه می سازد و همگام نشان می دهد و بعد اعلام می کند به وسیله این اعمال نسبت به شما، می خواهم به خدا نزدیک شوم.

آنگاه به طور ویژه از فاطمه معصومه(س) نزد خدا شفاعت می خواهد و در مرحله سوم دلیل این که این بانو را برای شفاعت برگزیده بیان می دارد: «فان لك عندالله شأننا من الشأن». زیرا تو نزد خدا منزلت والایی داری.

۲- امام صادق(ع) فرمود: «ألا ان لله تعالی حرما و هو مکة، الا ان لرسول الله حرما و هو المدينة؛ ألا ان لامیر المؤمنین حرما و هو الکوفة؛ ألا ان حرمی و حرم ولدی بعدی قم؛ الا ان قم کوفتنا الصغیرة، ألا ان للجنة ثمانية أبواب، ثلاث منها الی قم، تقبض فیها امرأة هی من ولدی و اسمها فاطمة بنت موسی بن جعفر، تدخل بشفاعتها شیعتنا الجنة باجمعهم.» ۴۴

بدانید که برای خداوند متعال حرمی است و آن مکه است، بدانید برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است، بدانید امیر مؤمنان حرمی دارد که کوفه است؛ بدانید حرم من و حرم فرزندان بعد من قم است. بدانید قم کوفه کوچک ما است؛ بدانید بهشت هشت در دارد که سه در آن به سوی قم است بانویی از فرزندانم که اسمش فاطمه دختر موسی بن جعفر است در آن وفات می یابد به وسیله شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند.

گروه دوم یا مؤید این مقام، مربوط به روایاتی است که بهشت را در مقابل زیارت فاطمه معصومه(س) معین کرده اند مانند این روایات: شیخ صدوق با سند صحیح از امام رضا(ع) نقل کرده است که: «من زارها فله الجنة» ۴۵ هر کس او را زیارت کند، بهشت برای اوست.

محمد بن قولویه در کامل الزیارات از امام جواد(ع) نقل کرد: «من زار عمّتی بقم فله الجنّة» ۴۶ هر کسی عمه‌ام را در قم زیارت کند، بهشت برای اوست.

علامه مجلسی از امام رضا(ع) نقل می‌کند: «من زارها عارفا بحقها فله الجنّة» ۴۷ هر کس زیارت کند او را در حالی که عارف به حق او باشد، پس بهشت برای اوست.

گستره شفاعت :

به طور قطع، میزان کمال نفس و عزّت هر شخص نزد خداوند، در گستره مقام شفاعت وی دخیل است. از این رو می‌بینیم، برخی تنها برای خانواده خود، عده‌ای برای تعدادی معدود، گروهی برای شیعیان و در نهایت رسول اکرم شفیع برای همه است. درباره مؤمنان خواندیم که: «لا يزال المؤمن یشفع حتی یشفع فی جیرانه و خلطائه و معارفه» ۴۸ مؤمن پیوسته شفاعت می‌کند تا آن که حتی درباره همسایگان و معاشران و آشنایانش هم شفاعت می‌کند.

درباره پیامبر می‌خوانیم: «انی لارجوا ان اشفع یوم القیامة عدد ما علی الارض من شجرة و مدرة» ۴۹ من امید دارم که به عدد درختان و کلوخ‌هایی که در روی زمین است، از افراد شفاعت کنم.

نکته جالب این است که در بین بانوان بعد از فاطمه زهرا(س) کسی مانند فاطمه معصومه(س) این مقام را ندارد. ۵۰ مقام حضرت فاطمه معصومه چنان والاست که امام صادق فرمود: «تدخل بشفاعتها شیعتنا الجنّة باجمعهم».

نقل یک حکایت

نقل است: روزی «حاج شیخ عباس قمی» (ره) در تیمچه بزرگ قم به مناسبت ایام فاطمیه به منبر رفته بود، گفت: یک شب میرزای قمی - صاحب قوانین - را در عالم رؤیا دیدم، پرسیدم: آیا شفاعت اهل قم به دست حضرت معصومه(س) است؟ میرزای قمی با قیافه شگفت زده‌ای به من نگاه کرد و فرمود: «شفاعت اهل قم با من است.» شفاعت عالم با حضرت معصومه(س) است. ۵۱ البته همان گونه که پیداست، تأیید و تقویت این گونه مطالب در سایه روایات و نصوص قابل پذیرش است که در این زمینه روایاتی که خواندیم مؤیدی کافی به شمار می‌روند.

شافع یوم معاد

یا رب این خلد برین یا جنت المأواستی این همایون بانو که در درج شرافت اختری است فاطمه اخت
الرضا سلطان دین روحی فداک مرجع اهل زمان و شافع یوم المعاد خواهر سلطان دین و ثانی
زهراستی
یا همایون بارگاه بضعه موساستی نسل پاک زاده انسیه حوراستی خاک درگاه تو از عرش علا اعلاستی
خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی
(خادم)

منابع:

۱. زادالمعانی، حاشیه، ص ۴۶۸، ناسخ التواریخ، زندگی امام کاظم ج ۱۳

۲. شفاعت احمد مطهری، غلامرضا کاردان، مؤسسه در راه حق

-

۱. مستدرک سفینه البحار، ج ۸، ص ۲۵۷، وسیلة المعصومیة، ص ۶۵.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۴.

۳. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۷۳.

۴. الحیة السیاسیة للامام الرضا، ص ۴۲۸.

۵. العوالم، ج ۲۱، ص ۳۲۸.

۵. العوالم، ج ۲۱، ص ۳۲۸.

۶. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰.

۷. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰، تاریخ قم، ص ۲۱۳.

۸. زادالمعانی، حاشیه، ص ۴۶۸، ناسخ التواریخ، زندگی امام کاظم ج ۱۳، ص ۶۸.

۱۲. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶، سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۶.

۱۳. مفردات راغب، ص ۲۶۳، صاحب تفسیر المنار پیرامون معنای اصطلاحی می نویسد: شفاعت دعایی است اجابت شده که خداوند اراده اولی خود را بعد از این دعا به مرحله اجرا می گذارد تا ارزش شفاعت کننده را اظهار دارد. شفاعت به این معنا نیست که اراده ازلی را بر هم زند یا آن را درباره کسی تغییر دهد. المنار، ج ۱، ص ۳۰۸.

۱۴. بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۷.

۱۸. این استدلال برگرفته از کتاب عدل الهی، ص ۲۴۵ است. q.

۱۹. اسراء، ۷۹.

۲۰. مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۳۵.

۲۱. بحارالانوار، ج ۹، ص ۴۱.

۲۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۴. q.

۲۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲۵. برای رسیدن به خواسته های خود، خدا را شفیع قرار دهید. نهج البلاغه، خ ۱۹۳.

۲۶. مسند احمد، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲۷. زمر، آیه ۳، یونس آیه ۱۸، انبیاء آیه ۲۶، زخرف آیه ۸۱، نجم آیه ۲۶.

۲۸. خصال صدوق، ۶۲۴.

۲۹ . شفاعت، جعفر سبحانی، ص ۳۳۴ نقل از مسند احمد، ج ۵، ص ۲۵۷.

۳۰ . امالی صدوق، ص ۵.

۳۱ . مدثر ۴۸ - ۴۰، شعراء ۱۰۱ - ۹۵.

۳۲ . خصال صدوق، ص ۳۵۵، امالی صدوق ص ۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۰.

۳۳ . غافر ۱۸، نساء ۱۶۸ و ۱۶۹، خصال صدوق ص ۳۵۵.

۳۴ . محاسن برقی، ص ۱۸۴، ثواب الاعمال، ۲۵۱.

۳۴ . محاسن برقی، ص ۱۸۴، ثواب الاعمال، ۲۵۱.

۳۵ . امالی صدوق، ص ۱۷۷، مکاتیب الائمه، ج ۲، ص ۴۱.

۳۶ . وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲.

۳۷ . همان.

۳۸ . اصول کافی، ج ۶، ص ۴۰۱ و ح ۳، ص ۲۷۰.

۳۹ . مسند احمد، ج ۱، ص ۷۲.

۴۰ . اصول کافی، ج ۵، ص ۴۶۹.

۴۱ . شفاعت، احمد مطهری، غلامرضا کاردان، ص ۱۷۶.

۴۲ . بحارالانوار، ج ۸، ص ۴۴.

۴۳ . بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

۴۴ . بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۱۷، این خبر حدود ۴۵ سال قبل از تولد

آن حضرت نقل شده است. آرامگاههای خاندان پاک پیامبر، ص ۳۱۴.

٤٥ . عيون اخبار الرضا، ج٢، ص ٢٧١، ثواب الاعمال، ص ٩٨.

٤٦ . كامل الزيارات، ص ٣٢٤.

٤٧ . بحار الانوار، ج ١٠٢، ص ٢٦٥؛ جامع احاديث الشيعة، ج ١٢، ص ٦١٧.

٤٨ . بحار الانوار، ج ٨، ص ٤٤.

٤٩ . مسند احمد حنبل، ج ٥، ص ٣٤٧.

٥٠ . امالي صدوق ٢٩١، بحار الانوار، ج ٨، ص ٥١.